

مقاله علمی

تحلیل گفتمان مدارای اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی

زهرا حیدری^۱، فاطمه کاسی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲ تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

چکیده

ضرب‌المثل‌های فارسی به عنوان یکی از گونه‌های ادبیات عامه، نمایانگر گرایش‌های فکری و فرهنگی مردم به موضوع صلح و خشونت‌پرهیزی است. با در نظر گرفتن اهمیت بازخوانی فرهنگ به منظور شناخت ظرفیت‌های فرهنگی مرتبط با صلح، همزیستی، کاهش تقابل و تعارضات اجتماعی، در این پژوهش مصادیق مدارای اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی که شامل مدارای دینی، مدارای رفتاری، مدارای منفعل و مدارای عمومی است استخراج، طبقه‌بندی و با تکیه بر مفهوم گفتمان ارنستو لاکلا و شانتال موفه بخشی از الگوی اندیشگی حاکم بر این ضرب‌المثل‌ها نشان داده و به شناسایی منابع قدرت و عوامل تأثیرگذار بر بازنمایی سطح مدارای اجتماعی پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق بر اساس دسته‌بندی مؤلفه‌های مدارای اجتماعی از دیدگاه پیتر کینگ ارائه و به روش تحلیل گفتمان به تأثیر گفتمان‌های دینی، گفتمان فردگرایی و گفتمان صلح در یکی از مؤلفه‌های اخلاق عمومی یعنی مدارای اجتماعی پرداخته شده است. براساس نتایج بدست آمده، گفتمان صلح و دال‌های مربوط به گرایش‌های بشردوستانه با بیشترین بسامد نمایانگر مدارای اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی مورد مطالعه بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ضرب‌المثل، مدارای اجتماعی، تحلیل گفتمان، لاکلا، موفه

۱ کارشناس ارشد ادبیات عامه، دانشگاه پیام نور، رشت، ایران، karizesokoot@gmail.com

۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، fateme.casi@pnu.ac.ir

مقدمه

ضرب‌المثل‌ها نمونه‌هایی مشخص و برجسته از فرهنگ عامه‌اند که گاه در نثری کوتاه و آهنگین و گاه در مصرعی یا بیتی به شکلی فشرده و موجز نمود می‌یابند. بسیاری از مثل‌ها چکیدهٔ یک تمثیل مفصل یا یک داستان بلند عامیانه‌اند که در کوتاه‌ترین و زیباترین شکل ممکن بروز یافته و بر زبان خاص و عام جاری‌اند. موجز بودن ضرب‌المثل‌ها باعث کارآیی بیشتر آنها نسبت به سایر گونه‌های ادبی شده‌است و می‌توان گفت تأثیرگذاری آنان موجب دوام و بقای آنها در طول سالیان بوده‌است. از منظر جامعه‌شناختی، جامعه‌شناسانی نظیر پیتر کینگ^۱ تحمل و مدارا را بخشی از سرمایهٔ اجتماعی می‌دانند. سرمایهٔ اجتماعی و سرمایهٔ انسانی دو مفهوم درهم تنیده‌اند. بنابراین، بدون تحمل و مدارا نمی‌توان از سرمایهٔ انسانی استفاده مطلوب را نمود. مدل نظری کینگ یکی از مدل‌های مفهومی است که تقریباً تمام ابعاد مدارا را پوشش می‌دهد.

کینگ پس از تعریف مدارا برحسب دو عنصر پذیرش و اعتراض به دسته‌بندی انواع مدارا پرداخته است:

مدارای سیاسی و سازمانی: در سطح سیاست معنا می‌یابد به معنای شناسایی حق گردهم-آیی صاحبان عقاید مختلف است که با سنجه‌های مختلفی مانند حق برگزاری گردهم‌آیی، سخنرانی‌های اجتماعی سیاسی، حق تشکل سیاسی، غیر دولتی و مدنی اندازه‌گیری می‌شود. برگزاری راهپیمایی‌ها، تجمعات، تحصنات و اعتصابات شغلی و غذایی از جمله این موارد است. پذیرش مکانسیم‌های غیرخوشونت‌آمیز در رابطه با تضادهای موجود در جامعه از جمله موارد تساهل و مدارای اجتماعی است. وجود نثریات و جراید برای بیان اعتراض و انتقاد در جامعه و وجود احزاب مخالف با نظرات حاکمیت موجود در ذیل این مقوله جای می‌گیرد.

مدارای عقیدتی: باور و پذیرش دگراندیشی و نسبی‌گرایی فرهنگی و باورداشت آزادی عقیده، بیان و تبلیغ را شامل می‌شود. این بعد در سطح سازمان معنا می‌یابد. اعتقاد به اصول بنیادین و اخلاقی مرسوم جهانی مانند بیانیهٔ حقوق بشر و آزادی مذهب و بیان اندیشه را شامل می‌گردد که در حوزهٔ اعتقادات فکری و محصولات فکری رخ می‌دهد.

1 Peter king

مدارای هویتی: اعمال تساهل در برابر ویژگی‌هایی که به طور انتسابی به کنشگر می‌رسد مانند طبقه اجتماعی، نژاد، فرهنگ، جنسیت، ملیت و دین است که ناظر به هویت اجتماعی دیگران است و با شاخص‌هایی همچون مدارا نسبت به پیروان ادیان و قومیت‌های دیگر سنجیده می‌شود. در دو سطح معنا می‌یابد الف. مدارای دینی، ب. مدارای قومیتی. در بروز رفتارهای خلاف مدارای اجتماعی، برداشت‌های سنتی می‌تواند در بروز آن مؤثر باشد و این رفتار خود می‌تواند منبعث از فرهنگ جامعه باشد. انواع مدارا با استفاده از قرار گرفتن فرد در شش موقعیت که ممکن است با قرار گرفتن در روابط خود با دیگران آن را تجربه کند مورد سنجش قرار می‌گیرد. میزان درگیری و تداخل فرد با دیگران و تمایل به این موقعیت‌ها نشان از بردباری کنشگر دارد. این موقعیت‌ها عبارت از ازدواج، همسایگی، همسفر بودن، شراکت، هم‌نشینی و معامله هستند.

مدارای رفتاری: مدارای رفتاری در خصوص رفتارهایی مغایر با رفتار اکثریت آحاد جامعه معنا می‌یابد. مثل تساهل در برابر شیوه لباس پوشیدن یا نوع روابط اجتماعی افراد با یکدیگر که بیشتر دین و اعتقادات مذهبی را دستخوش تغییر قرار می‌دهد. این تساهل می‌تواند در قالب الگوهای جنسیتی تعریف شود. افراد در شهرهای کوچک به الگوها و مسائل جنسی حساس‌ترند و اغلب در این حوزه موضع محتاطانه‌تری می‌گیرند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۲۲-۱۲۵).

ورنر گلداشمیت^۱ مدارای اجتماعی را بلحاظ تحلیلی به دو دسته فعال و منفعل تقسیم کرده است. مدارای فعال نیز خود به دو دسته انتزاعی و عینی تقسیم می‌شود. مدارای فعال انتزاعی بدین معنی است که فرد به لحاظ شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران متفاوت باشد. زمانی که فرد علاوه بر این که در ذهن و زبان معتقد به مدارا نسبت به دیگران است در عمل هم این مدارا را نشان دهد تبدیل به مدارای فعال عینی می‌شود. مدارای منفعل نیز حکایت از نوعی بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر دارد. به اعتقاد او اگر توسعه اجتماعی و توسعه در سایر عرصه‌ها با موفقیت صورت گرفته باشد، مدارای منفعل باید به مدارای فعال تبدیل شود (۱۹۷۴: ۱۶۱).

ضرب‌المثل‌هایی که در این تحقیق، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند از «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی (ذوالفقاری، ۱۳۹۲) استخراج شده‌اند. این فرهنگ که در دو مجلد

1 Verner Goldschmidt

تنظیم‌شده دربردارندهٔ حدود صد هزار ضرب‌المثل شامل انواع رایج آن در قلمرو ایران فرهنگی و حوزه‌های فرهنگی فارسی‌زبانان است که از یک سو کلیه گویش‌ها و زبان‌های ایرانی را در بر دارد و از سوی دیگر فراتر از مرزهای سیاسی ایران امروزی را هم در بر می‌گیرد. ضرب‌المثل‌ها در نظم الفبایی و از ۱ تا ۹۹۶۲۱ گردآوری و شماره‌گذاری شده‌اند و هر ضرب‌المثل با یک شماره شناسایی می‌شود. مقابل هر مثل خاستگاه و قلمرو فرهنگی و زبانی آن در کمانک آمده‌است. علاوه بر این، این فرهنگ حاوی یک نمایه موضوعی مفصل است که دسته‌بندی موضوعی کلیهٔ ضرب‌المثل‌ها محسوب می‌شود. در این تحقیق بر حسب موضوع، تعداد ۱۱۰ ضرب‌المثل استخراج و سپس بر اساس مؤلفه‌های مورد نظر مقوله‌بندی شده‌اند. با توجه به گستردگی ضرب‌المثل‌های فارسی در موضوع مورد مطالعه و محدودیت تحلیل آن‌ها در قالب یک مقاله نویسنده و با توجه به اطلاعات زمینه‌ای و شم زبانی خود این تعداد را به عنوان نمونه انتخاب نموده‌ایم. در این تحقیق شماره ثبت در فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی به عنوان شماره شناسایی هر مثل به کار رفته است.

این پژوهش را با هدف واکاوی فرهنگ مردم و دستیابی به یکی از ویژگی‌های هویت ایرانی یعنی یکی از شاخص‌های اخلاق عمومی که بر ارزش‌های دموکراتیک تأکید دارد از خلال مطالعه ضرب‌المثل‌های فارسی که یکی از گونه‌های ادبیات عامه است انجام داده‌ایم.

پرسش‌های اصلی تحقیق

- ۱- جلوه‌های مدارای اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی کدامند؟
- ۲- جلوه‌های مدارای منفی و مدارای منفعل در ضرب‌المثل‌های فارسی کدامند؟

پیشینهٔ تحقیق

امید ممتاز (۱۳۹۲) در پژوهش خود با استفاده از نظریهٔ کنش ارتباطی هابرماس نشان داده است که دوگانه‌های موجود در ضرب‌المثل‌ها مانند شاه و رعیت، دارا و ندار، فرادست و فرودست و غیره حکایت از نظام سلسله‌مراتبی و مراتب قدرتی دارند که عامل مهمی در عدم دستیابی به کنش ارتباطی محسوب می‌شوند و در حقیقت باعث ظهور کنش ضد ارتباطی هستند که

موجب شکل نگرفتن کنش عقلانی و از دست رفتن آزادی، برابری در تعامل و ظهور سلطه درونی و بیرونی می‌گردد که نتیجه آن کنش ضد ارتباطی است.

مهران سهراب‌زاده (۱۳۸۸) در پژوهشی پس از بررسی بیست هزار مثل فارسی مندرج در امثال و حکم علی‌اکبر دهخدا سه ساختار اصلی در رابطه با ایستارها و ارزش‌های فرهنگی را مورد بررسی قرار داده است الف. نگرش‌های معرفتی، دینی و فلسفی نظیر هستی، قضا و قدر، پروردگار و غیره ب. نگرش به ارزش‌های اخلاقی و مقولات و مفاهیم اجتماعی نظیر قشربندی اجتماعی، ثروت، فقر، مشورت، مشارکت و غیره ج. نگرش به شاهان و ایستارهای معطوف به قدرت که در آن مقولاتی نظیر شاه و رعیت، عدالت و ظلم و موضع‌گیری‌ها نسبت به مصائب را در سه بخش نگرش محافظه کارانه، مقاومت / مقابله و ساز و کار امید به آینده دسته‌بندی کرده است.

مرتضی اسدی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با استفاده از فرایندی که رولان بارت آن را اسطوره‌سازی می‌نامد به استخراج مقولات اخلاقی از ضرب‌المثل‌های فارسی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دستگاه اخلاقی موجود در ضرب‌المثل‌ها نظامی با عناصر متناقض و ناهمگون است. مجموعاً هشت مقوله در چهار حوزه اخلاقی: قدرت سیاسی، فقر و ثروت، روابط جنسیتی و رابطه میان گروه‌های سنی بدست آمده است. در این میان دو حوزه اول دارای مقولات متناقض اخلاقی و حوزه‌های سوم و چهارم فاقد چنین تناقضی هستند.

پروانه عبدالملکی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با هدف تبیین جامعه‌شناختی وضعیت مدارا و ابعاد آن در بین شهروندان هجده سال به بالای استان کرمانشاه که دارای بافت فرهنگی، قومی و مذهبی ناهمگون است انجام داده‌اند. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و به شیوه پیمایشی بوده است. براساس یافته‌های گردآوری‌شده متغیرهای تحصیلات، جنس، وضعیت تأهل، سرمایه و ابعاد آن بر مدارا تأثیر دارند. متغیرهای سن، قومیت، مذهب و شهر محل سکونت تأثیری بر مدارا ندارند. اقوام و مذاهب در استان کرمانشاه فارغ از تنوع، آثاری منفی بر تساهل شهروندان استان بر جای نهاده‌اند زیرا نوع مبتدلی از هویت‌خواهی از سالیان گذشته و بویژه در چهار دهه اخیر در سطح استان رواج داشته است که عموماً در پی طرد هویت مقابل و برجسته‌سازی نمودهایی است که عمدتاً تقابلی و مروج خشونت کلامی و رفتاری و نه گفتگویی و ارتباطی هستند.

فاطمه مقتدایی (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی عوامل مؤثر بر مدارای اجتماعی پرداخته است. داده‌های پژوهش را بر اساس یک نمونه ۳۸۸ نفری از شهروندان شهر اهواز با روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه و با شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای جمع‌آوری کرده است. مقتدایی در این پژوهش به بررسی اثر عواملی چون آنومی، جزم اندیشی، ارزش‌های ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فردگرایی، تحصیلات، قومیت و محل تولد بر مدارای اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون آنومی و جزم اندیشی رابطه معکوس و معناداری با مدارای اجتماعی در شهر اهواز دارد. ارزش‌های ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فردگرایی، تحصیلات، قومیت و محل تولد به طور مستقیم بر میزان مدارای شهروندان تأثیر می‌گذارد و متغیر فشار مالی به طور غیرمستقیم و از طریق متغیر واسطه آنومی با مدارا رابطه دارد.

هر یک از پژوهش‌های نامبرده با توجه به قرابت مفهومی با مقاله حاضر جزو پیشینه مطالعاتی نویسنده بوده‌اند. سه منبع نخست در تحلیل جامعه‌شناختی ضرب‌المثل‌ها فارسی و سه مقاله بعد در شناسایی ابعاد و مولفه‌های مدارا و عوامل مؤثر بر آن راهگشای نویسنده بوده‌اند.

تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان بدنبال توصیف، تفسیر و تبیین گفتمان‌های رقیب است و از راهبردهای علمی حوزه‌هایی مانند زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، مردم‌شناسی، ارتباطات و غیره بهره می‌گیرد (گل-آقازاد، ۱۳۹۲: ۵۷). تحلیل گفتمان در سطح توصیف مبتنی بر توصیف در سطح خرد فارغ از نهادهای اجتماعی و قدرت است و در سطح تبیین و تفسیر با بررسی متن در ارتباط با قدرت، ایدئولوژی و نهادهای اجتماعی و دانش پس‌زمینه‌ای در پی آن است که آیا متن مورد نظر در جهت تحکیم و بقای قدرت و گفتمان حاکم و یا در جهت تغییر و اصلاح اجتماعی تولید شده است. در این سطح، تحلیل‌گر در صدد کشف معانی پنهان و ایدئولوژیک متن با راهبرد طبیعی‌زدایی از باورهای متعارف جامعه برمی‌آید تا حقایق را برای مردم آشکار سازد (همان: ۵۸).

در تحلیل گفتمان از مرز توصیف صرف ساختارهای زبانی می‌گذریم تا بتوانیم به سطح تبیین و تحلیل عوامل موجد یک گفتمان دست یابیم. در واقع هدف اصلی آن آشکار ساختن نابرابری‌ها، بی‌عدالتی و ستمی می‌باشد که بر جامعه تحمیل شده است. «بیشتر تحلیل‌گران گفتمان علاقه دارند که از طریق پژوهش به تغییر جهان و بهتر شدن آن کمک کنند. تحلیل‌گران

گفتمان غالباً این جاه‌طلبی را از طریق نشان دادن پیامدهای منفی یک شکل خاص از تثبیت معنا و گشودن راه‌های دیگر برای فهم جهان دنبال می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند نظام‌های معنایی حاکم را متزلزل کنند. یکی از دلایل استحکام نظام‌های معنایی این است که بسیاری از فهم‌های ما از جهان، طبیعی شده‌اند و آنها را نه به چشم برداشتهایی از جهان بلکه به مثابه خود جهان می‌نگریم» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۸۷).

ارنستو لاکلا و شانتال موفه^۱ دو اندیشمندی هستند که در انتقاد از سنت مارکسیستی ابتدا با نفی مفاهیم زیربنا و روبنا همه فرم‌های اجتماعی را محصول فرآیندهای گفتمانی برشمردند و سپس با فاصله گرفتن از نگرش مارکسیستی به جای مفهوم ایدئولوژی، گفتمان را واجد تاثیراتی دانستند که نظم‌دهنده نگرش‌ها در میدان‌های اجتماعی است (همان: ۱۳۱) با این تفاوت که ایدئولوژی قدرت یکسویه و سرکوبگر دارد اما در نظام گفتمانی قدرت پراکنده است و منابع گوناگونی دارد.

مهم‌ترین مفهوم در نظریه لاکلا و موفه «گفتمان» به معنی ثبات معانی در یک شبکه خاص است. بر اساس نظریه گفتمان لاکلا مفصل‌بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند. لذا هویت یک گفتمان بر اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی) شکل می‌گیرد. به این تمامیت ساختمند گفتمان گویند (همان: ۷۱). در مفصل‌بندی دال مرکزی و دال‌های شناور با یکدیگر ترکیب می‌شوند. مثلاً دال مرکزی لیبرال دموکراسی را دال‌های شناوری مانند انتخابات آزاد، آزادی بیان و پارلمان انسجام معنایی می‌بخشند. دال مرکزی تنها با تثبیت موقعیت نسبی خود در ارتباط با دیگر نشانه‌ها معنی‌دار می‌شود. دال‌های شناور دال‌هایی هستند که هنوز تخصیص معانی گوناگون به آنها ممکن است و هر گفتمان در تلاش است تا به شیوه خاص خود به آنها معنا تحمیل کند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۷). دال‌ها پیش از جذب شدن در مفصل‌بندی و نظام گفتمانی، یک «عنصر» هستند و معنای آنها تثبیت نشده است. معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان دور می‌شوند «حوزه گفتمان‌گونگی» می‌نامند (همان: ۵۹). مفهوم دیگر، «دیگری» است که بر چیزی دلالت می‌کند که در یک نظام بسته معین،

1 Ernesto Laclau - Chantal Mouffe

مخالف آن نظام یا جدا از آن و در حاشیه آن و یا در کنترل آن است (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۴۳۱). ساز و کاری که به واسطهٔ آن گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه برانند و بالعکس نقاط قوت «دیگری» یا دشمن را به حاشیه برانند و نقاط ضعف او را برجسته نمایند را «برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی» می‌گویند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). «هژمونی» عمل تثبیت را مابین گفتمان‌هایی انجام می‌دهد که رابطه‌ای خصوصت‌آمیز دارند و گفتمانی که در میدان گفتمانی حاکم است از طریق مفصل‌بندی مجدد عناصر سبب تضعیف یا حتی نابودی گفتمان‌های دیگر می‌شود. مداخلهٔ هژمونیک زمانی موفق است که جایی که پیش از آن کشمکش حاکم بود یک گفتمان به تنهایی حاکم شود و در این صورت است که تخاصم رفع می‌شود. بنابر این مداخلهٔ هژمونیک در حوزه‌ای واقع می‌شود که مورد تخاصم است و گفتمان نیز محصول آن است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۹۱). به گفتمان‌هایی که چنان محکم تثبیت شده باشند که تصادفی بودن‌شان فراموش شود گفتمان‌های عینی گفته می‌شود که محصول «عینیت‌یافتگی» است (لاکلا و موفه، ۱۳۹۲: ۳۴).

از این رو می‌توان نظریهٔ گفتمان لاکلا و موفه را عرصهٔ درگیری گفتمان‌ها بر تثبیت معنای دال‌ها دانست. هر گفتمان دال مورد نظر را در بستر خاصی به بوتهٔ معنی می‌گذارد و با نیروی هژمونیک سعی در تثبیت معنای دال‌ها و طرد و حذف معناهای دیگر دارد (تورفینگ^۱، ۱۹۹۹: ۶۱).

مدارای اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی

ایران به واسطهٔ موقعیت جغرافیایی و خشکسالی‌ها همواره کشوری اهل مدارا بوده است. هجوم‌های پیاپی می‌توانست تهدیدی برای نابودی و تخریب قنات‌ها باشد و از آنجا که بازسازی قنات‌ها بسیار دشوار بود همین عامل فرهنگ ایرانیان را به فرهنگی مدارامحور تبدیل کرده است. تنوع فرهنگ‌ها و قومیت‌ها در جامعهٔ ایرانی از یک سو و لزوم مشارکت و یاری‌گیری ایرانیان به دلیل قرار گرفتن در کمربند خشک زمین از سوی دیگر، همچنین موقعیت خوب ارتباطی ایران در شاهراه‌های تجاری دنیای قدیم و جز آن را می‌توان از جمله عواملی برشمرد که زمینه‌ساز مدارای اجتماعی و پذیرش دیگری در اندیشهٔ ایرانی هستند. ضرب‌المثل‌های فارسی هم به عنوان یکی از گونه‌های ادبیات عامه نمایانگر گرایش‌های فکری و فرهنگی مردم به موضوع صلح و

خشونت‌پرهیزی است. این گروه ضرب‌المثل‌ها به عنوان آفریده‌های ادبی برخاسته از یک ساحت اجتماعی، بر مقولات و مفاهیمی استوارند که بخشی از ساختار معرفت‌شناسانه خالقان و مصرف‌کنندگان آن پدیده‌های ادبی را می‌نمایانند و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های آن جامعه را معرفی می‌کنند. مدارای اجتماعی از مفاهیم ارزشی است که مقوم صلح و مشوق خشونت‌پرهیزی است. رواج این ارزش به معنای به رسمیت شناختن و پذیرش دیگری است نه فقط از آن رو که مصلحت‌ها و منافع مشترک در همزیستی اجتماعی ایجاب می‌کند بلکه به معنای مرحله‌ای از شناخت و آگاهی که مردم در آن از هر گونه باور به برتری «خود»، اعم از برتری دینی، اجتماعی، فرهنگی، قومی و غیره و همچنین باورهای کم‌انگارانه نسبت به «دیگری» که حاصل تعصب و جزماندیشی است دست برمی‌دارند و برای صلح و همبستگی اجتماعی در اولویت‌بندی‌های ارزشی خود جایگاه ویژه‌ای قائل می‌شوند. به رسمیت شناختن حقوق مشترک شهروندی تک‌تک افراد جامعه با وجود گوناگونی ویژگی‌ها و تفاوت‌های موجود، براساس وابستگی همه آنان به یک وطن، موجب ارتقای میزان همبستگی اجتماعی، اعتماد و احترام متقابل افراد جامعه می‌شود. به بیان دیگر باید وفاداری به «انسان» و «وطن» را مهم‌تر از وفاداری به سایر پیوند دهنده‌های اجتماعی و فرهنگی مانند دین، قومیت، نژاد و جز آن بدانیم تا یکپارچگی و امنیت داخلی جامعه مخدوش نشود. در این پژوهش مصادیق مدارای اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی مدارای دینی، مدارای رفتاری، مدارای منفعل و مدارای عمومی است که پس از استخراج، به طبقه‌بندی و تحلیل آن‌ها پرداخته‌ایم.

مدارای دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی

جدول (۱): مدارای دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی

ضرب‌المثل	شماره در فرهنگ	ردیف
هر کسی بنده به آیین دگر دستار را	۹۳۷۹۵	۱
محراب یهود اگر کنشت است / او را چه گنه که سرنوشت است.	۸۱۰۶۰	۲
کفر کافر را و دین دین‌دار را	۶۸۹۶۲	۳
کعبه و بتخانه‌ای در عالم توحید نیست	۶۸۹۲۹	۴
چه هندو، چه مسلمان، پسیه (؟) است و ایمان	۳۵۰۳۵	۵
عقیده آزاد است	۶۳۱۴۷	۶

ردیف	شماره در فرهنگ	ضرب‌المثل
۷	۶۳۳۰۷	علی به راه خود، ولی به راه خود
۸	۶۳۶۹۰	عیسی به دین خود، موسی به دین خود
۹	۷۵۵۱۹	مؤمن و سجادهٔ خود، کافر و زنار خویش
۱۰	۱۶۷۸۷	با مسلمان مسلمان، با یهودی یهودی با هیچ‌کدام هر دو، با هر دو هیچ‌کدام
۱۱	۶۳۶۹۱	عیسی به روز خودش، موسی هم

این گروه از ضرب‌المثل‌ها صلح‌محورند و تفاوت در دین و آیین را عامل مرزبندی و گسست اجتماعی نمی‌دانند. محتوای اصلی این مثل‌ها «پذیرش» است که در اینجا هدف اصلی، پذیرش «تفاوت دینی» است. این ضرب‌المثل‌ها در موضع‌گیری در مقابل «دیگری» که در اینجا «غیرمسلمان» است اعتقاد به «آزادی عقیده» را ترجیح می‌دهند و از ضرب‌المثل‌های مداراگرا هستند و در مفصل‌بندی گفتمانی «مدارا» جای می‌گیرند زیرا «دیگری» را محق و آزاد می‌دانند. دیگری غیرمسلمان شامل یهودی، کافر، بت‌پرست، هندو و مسیحی است. مفهوم تجویزی این ضرب‌المثل‌ها «برابری» و مفهوم تحذیری‌شان برحذر داشتن از «خودبرتربینی دینی» و فضیلت اخلاقی پشتیبان این تفکر «آزاداندیشی» و «دوری از جزم‌اندیشی» است. دال مرکزی در این گروه مثل‌ها «صلح» و دال‌های شناور آزادی، برابری و وحدت است و با تأکید بر آزادی عقیده، وحدت ادیان، پذیرش اصل ایمان به عنوان اصل مشترک همهٔ ادیان، انتسابی بودن دین در بدو تولد (تقدیرگرایی) و پذیرش تفاوت دینی به مدارای اجتماعی و کاهش خشونت و اختلافات دینی نظر دارند. به طور کلی می‌توان گفت کارکرد این ضرب‌المثل‌ها کاهش و تعدیل جزم‌اندیشی و تعصب دینی است.

اگرچه دوقطبی‌های مفهومی در این ضرب‌المثل‌ها بر ساخت دینی هستند و در گفتمان دینی شکل گرفته‌اند که سعی در برجسته‌سازی «دین خود» و به حاشیه‌رانی «دین دیگری» دارد اما گفتمان انسان‌دوستانه در تعدیل این غیریت‌سازی مداخله داشته است. انسان‌دوستی با بسیاری از تعالیم دینی که در اینجا دین اسلام است همپوشانی دارد. دوقطبی‌های غیریت‌ساز در این گروه ضرب‌المثل‌ها «دین‌دار و کافر»، «مسلمان و هندو»، «مسلمان و یهودی»، «بتخانه و کعبه»، «سجاده و زنار»، «عیسی و موسی» و «علی و ولی» هستند. این دوگانه‌ها تقابل ذاتی ندارند بلکه

تقابل برساختی دارند که در یک گفتمان دینی شکل گرفته است. چهار دوگانه «بتخانه و کعبه»، «سجاده و زنار»، «عیسی و موسی» و «علی و ولی» کاربرد نمادین دارند، چنانچه بتخانه نماد دیگری غیرمسلمان و کعبه نماد اسلام و مسلمانان است و سجاده نماد مسلمانی و زنار نماد غیرمسلمانی، موسی نماد دین یهود و عیسی نماد دین مسیحی است. علی و ولی به طور عام نماد انسان‌هایی با عقاید مختلف هستند.

مدارای رفتاری در ضرب‌المثل‌های فارسی

جدول (۲): مدارای رفتاری در ضرب‌المثل‌های فارسی

ردیف	شماره در فرهنگ	ضرب‌المثل
۱	۸۸۶۸	از همه مردمان بر آن بخشای که به دست هوا اسیر شود.
۲	۲۳۰۴	آدمی جایز الخطاست.

موضع‌گیری منعطف و خطاپوشانه نسبت به کجروی و کسانی که رفتارهایی خلاف هنجارهای پذیرفته شده دارند یکی از مؤلفه‌های مدارای اجتماعی است و براساس تقسیم‌بندی کینگ در مدارای رفتاری جای می‌گیرد. این ضرب‌المثل‌ها در مفصل‌بندی رواداری جای می‌گیرند و دال مرکزی آن‌ها صلح است و دال‌های شناور عبارت از «انعطاف»، «گذشت»، «جایز الخطا دانستن افراد» و «بردباری» است که همه دربردارنده مفهوم کلی مدارای اجتماعی هستند. تقابل دوگانه غیریت‌ساز در این مثل‌ها دوگانه‌های «درستکار و خطاکار» و «هنجار و ناهنجار» است که با هدف برجسته‌سازی مفهوم «گذشت» و به حاشیه‌رانی مفاهیم «کینه‌توزی» و «انتقام» در گفتمانی انسان‌دوستانه می‌خواهد مانع از ایجاد «داغ ننگ» بر پیشانی خطاکار و طرد او شود و در گفتمانی صلح‌محور سعی در «پذیرش و چشم‌پوشی از خطای مجرم» دارد. در ضرب‌المثل‌های مطالعه شده فقط تعداد دو ضرب‌المثل با مفهوم مدارای رفتاری با خطا و کجروی مشاهده شد. این امر می‌تواند از یکسو نشان از عدم رواداری نسبت به جرم و کجروی و ناهنجاری باشد و از سوی دیگر می‌تواند نشان از یک تدبیر فرهنگی برای جلوگیری از عادی‌سازی و عادی‌انگاری کجروی از طریق «مسکوت گذاشتن» داشته باشد. حفظ همبستگی اجتماعی هدف اصلی این سطح از گذشت و تساهل است و رویکرد تجویزی این ضرب‌المثل‌ها خودکنترلی و خطاپوشی برای تنظیم روابط اجتماعی است.

مدارای منفعل در ضرب‌المثل‌های فارسی

جدول (۳): مدارای منفعل در ضرب‌المثل‌های فارسی

ردیف	شماره در فرهنگ	ضرب‌المثل
۱	۹۵۸۴۳	همسایهٔ بد را به خدا واگذار کن.
۲	۶۷۷۴۴	کدخدا نداد، خدای کدخدا می‌دهد.
۳	۳۶۳۰۴	حق به طرف زور است.
۴	۳۶۲۸۳	حق با قوی است.
۵	۸۴۷۶۶	من زنده جهان زنده، من مرده جهان مرده.
۶	۳۵۱۶۳	چیزی که به من نرسد، آفت بگیرد.
۷	۶۳۱۷۰	علاج خصم زبردست جز مدارا نیست.
۸	۲۸۶۷۱	تدبیر کند بنده، تقدیر کند خنده.
۹	۱۶۲۱۶	با سخت بازوان به ضرورت فروتنی.
۱۰	۹۸۲۳	اکبر ندهد، خدای اکبر بدهد.
۱۱	۶۶۹۳	از خدا نیاید از دست بنده خدا چه آید؟
۱۲	۸۴۵	آبی که به باغچه ما نمی‌رود، به قبرستان کهنه هر کس که می‌خواهد برود.
۱۳	۴۵۸۲۱	دستی که از خودت نیست ببرش.
۱۴	۴۵۸۲۰	دستی که از تو نباشد با آن مار بگیر.
۱۵	۳۰۰۰۶	توی شیرهای که من نخورم موش بیفته.
۱۶	۶۹۲۷۶	کلاه خودت را بپا باد نبرد.

مدارای منفعل یا منفی صورتی از مدارا است که فرد از روی آگاهی و کارآمدی شناختی نسبت به آثار و نتایج مدارا مدارا نمی‌کند بلکه عامل یا عواملی او را وادار به مدارا می‌کنند که خود در یک یا چند نظام فکری ریشه دارند. هر عامل از قدرتی گفتمان‌ساز نیرو می‌گیرد و به اندیشه و رفتار فرد جهت می‌دهد. در گفتمان دینی خداوند خالق و اداره‌کنندهٔ جهان هستی است و تقدیر انسان‌ها را هم او نوشته و می‌داند، پس در بسیاری از امور می‌توان بجای هر کنشی امور را به خدا واگذار کرد زیرا هم عالم به امور پیدا و پنهان و هم قادر مطلق است. این اتکای به خالق در دو مفهوم خود را می‌نمایاند: توکل به خدا و تقدیرگرایی. کسی که به خدا توکل می‌کند یقین دارد که خداوند نارسایی‌ها و مشکلات را برطرف می‌کند و به اتکای همین

باور قدرت و نقش خویش را در اصلاح امور کم می‌بیند. تقدیرگرایی و سرنوشت‌باوری نیز اعتقاد به استیلای عوامل ماورایی بر سرنوشت انسان است و این که همه امور اعم از شخصی و اجتماعی در انقیاد تقدیر است. این گرایش فکری برای اراده آزاد انسان نقشی قائل نیست. هر دو مواضع فکری به نوعی «ترک تدبیر» است. اما مدارای اجتماعی آگاهانه خود نوعی «تدبیر» است. این شکل از مدارا یعنی مدارای منفی ناظر بر وجه متناقض مدارای اجتماعی است. یعنی از مدارای آگاهانه و فعال و صلح‌محور فاصله می‌گیرد و به سمت بی‌تفاوتی و در شکل افراطی آن به سرخوردگی، انزوا و احساس عدم اختیار می‌رود. موضوع دیگری که به مدارای اجتماعی چهره‌ای دوگانه و متناقض می‌دهد این است که گاه مدارا به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی حد و مرزی برای تساهل و سازشکاری تعیین نمی‌کند. دانستن این که مدارا با چه کسی و تا کجا جایز است، مدارا را آگاهانه‌تر می‌کند. به عنوان مثال آیا مدارای با ظالمان و قدرتمندان یا مدارا با بی‌عدالتی و نابرابری، مدارا است یا انفعال؟ گلداشمیت چنان که در مبانی نظری در ابتدای همین فصل آورده شد این شکل از مدارا را مدارای منفی یا مدارای منفعل می‌داند. یکی دیگر از گفتمان‌های مؤثر بر مدارای اجتماعی منفی گفتمان فردگرایی است. این گفتمان حاصل نظامی فکری است که بر اولویت نیازهای فردی بر نیازهای گروهی تأکید دارد و می‌تواند به بی‌تفاوتی نسبت به دیگران و کاهش همبستگی اجتماعی منجر شود. فردگرایی با منفعت‌طلبی‌های خودخواهانه همراه است و زمینه کاهش تعهد فرد نسبت به جامعه و حس مسئولیت اجتماعی و مشارکت را فراهم می‌کند. اگر چه عمدتاً فردگرایی محصول جوامع مدرن دانسته می‌شود و همبستگی بالای اجتماعی یکی از ویژگی‌های بارز جوامع سنتی دانسته می‌شود که با فردگرایی در تقابل است اما سطوح مختلف فردگرایی با شدت و ضعف‌های گوناگون در همه جوامع را نباید نادیده گرفت.

در یافته‌های تحقیق ضرب‌المثل‌هایی وجود دارد که بر این وجه مدارای اجتماعی دلالت می‌کند یعنی ضرب‌المثل‌هایی که نشان‌دهنده بی‌تفاوتی به «دیگری» و «امور» است که مانع کنشگری است و انسان را به نوعی انفعال سوق می‌دهد. «دیگری» در این ضرب‌المثل‌ها دیگری عام یا هر کس غیر از «خود» است. در این گروه ضرب‌المثل‌ها دال مرکزی صلح و سازش است و دال‌های شناور عبارت از تقدیر، توکل به خدا، بردباری، پذیرش و خودمحوری است. در گفتمان فردگرایی عامل غیریت‌ساز نفع شخصی است و هدف از این غیریت‌سازی

برجسته ساختن خود و نفع شخصی و به حاشیه راندن دیگری و نفع او می‌باشد. در خرده‌گفتمان تقدیرگرایی که خود در حوزهٔ قدرت گفتمان دینی است، تقابل دوگانهٔ انسان و خدا بر نظام فکری تقدیرگرایی حاکم است.

مدارای عمومی در ضرب‌المثل‌های فارسی

جدول (۴): مدارای عمومی در ضرب‌المثل‌های فارسی

ضرب‌المثل	شماره در فرهنگ	ردیف
هرکس به دیگری احترام بگذارد به خودش احترام می‌گذارد.	۹۳۸۰۳	۱
مردمی به ز مردم‌آزاری.	۸۱۸۱۰	۲
مردم آن را دان کز او آزاده را آزار نیست.	۸۱۶۸۴	۳
گفت انسان پارهٔ انسان است.	۷۲۹۵۴	۴
کفر است در طریقت ما کینه داشتن / آیین ماست سینه چو آینه داشتن.	۶۸۹۶۲	۵
قوت زندگی در اتحاد است.	۶۶۰۵۴	۶
ظن بد بردن به مردم، بد به خود کردن بود.	۶۱۸۶۴	۷
ضعیفان را منه بر دل گزندی / که درمانی به جور زورمندی.	۶۱۳۲۱	۸
سلامت بایدت کس را میازار.	۵۶۴۷۷	۹
سر مردمی بر باری بود.	۵۵۱۵۱	۱۰
سفیه مردم‌دار به از فقیه مردم‌آزار.	۵۵۵۷۱	۱۱
ریگ‌هایی که به آغوش گرفته‌ای بریز.	۵۱۱۴۳	۱۲
درموقع جنگ صلح را پاس بدار.	۴۴۳۰۹	۱۳
در جنگ بزنی ننگ است و بزندات هم ننگ است.	۴۳۰۳۶	۱۴
شما دیگران را گل بخوانید که دیگران شما را گل بادام بخوانند.	۵۹۵۷۰	۱۵
مدارای دشمن به از کارزار.	۸۱۱۷۸	۱۶
مدارا خرد را برادر بود.	۸۱۱۷۳	۱۷
فلک حریف زبردستی مدارا نیست.	۶۴۹۱۷	۱۸
ساکن بتخانه باش، مردم‌آزاری نکن.	۵۳۴۸۰	۱۹
خار و گل، آب از بهارستان وحدت می‌خورند.	۳۶۸۴۹	۲۰
عیب مبین تا هنر آری به دست / در همه چیزی هنر و عیب هست.	۶۳۶۴۵	۲۱

ضرب‌المثل	شماره در فرهنگ	ردیف
زندگی در وحدت و یکپارچگی است.	۵۲۵۵۱	۲۲
خار و گل این باغ ز یک چشمه خورد آب.	۳۶۸۵۰	۲۳
تحمل کند هر که را عقل هست / نه عقلی که خشمش کند زیردست.	۲۸۵۰۶	۲۴
تو هموار باشی آسمان هموار می‌گردد.	۳۰۱۷۱	۲۵
به شهر کورها که رسیدی دست بگذار روی چشمت.	۳۰۳۵۶	۲۶
با دوستان مروت با دشمنان مدارا.	۱۵۷۶۰	۲۷
با خلق خدا کن نکویی.	۱۵۵۵۴	۲۸
بر خار چنان گذر که بر گل گذری.	۱۸۷۱۷	۲۹
بر ضعیفان ظلم کردن بر خود کردن است.	۱۸۸۹۷	۳۰
به چشم کم مبین در هیچ ذره / که او را هم ز خورشید است بهره.	۲۱۴۷۳	۳۱
به خانه همسایه گل بیارد، بوی آن به خانه ما هم خواهد آمد.	۲۱۶۱۷	۳۲
بهشت آنجاست که آزاری نباشد / کسی را با کسی کاری نباشد.	۲۲۳۱۲	۳۳
به کوتاهی و درازی مدان کهی و مهی.	۲۲۷۶۴	۳۴
به گدا کمک نمی‌کنی کاسه‌اش را مشکن.	۲۲۸۵۸	۳۵
به هفتاد و دو ملت آشنا باش / به هر ملت که بودی با خدا باش.	۲۳۴۰۲	۳۶
به هر دستی دادی پس می‌گیری.	۲۳۳۳۶	۳۷
با خوانندگان همراه شدی، بخوان / با دعاگویان همراه شدی، دعا بگو.	۱۰۰۷۴	۳۸
اگر اولی آتش باشد دومی باید آب باشد.	۱۰۰۱۴	۳۹
اگر آدم از حرفی بگذرد، از کوهی گذشته است.	۹۸۵۵	۴۰
از یک مادر، سیاه هم می‌زاید سفید هم می‌زاید.	۸۹۵۵	۴۱
از کینه کینه خیزد و از مهر مهر.	۸۱۸۹	۴۲
از چشمه که آب می‌خوری گلش نکن.	۶۵۵۸	۴۳
با همه خاکشیر باش.	۱۶۹۴۳	۴۴
اگر خوب است برای همه خوب است.	۱۰۹۲۴	۴۵
اول خلق بعد خدا.	۱۳۶۶۳	۴۶
با هر کسی سلوک به نوعی است محترم.	۱۶۸۹۵	۴۷
از بد و نیک کس کسی را چه؟	۵۹۰۴	۴۸

ردیف	شماره در فرهنگ	ضرب‌المثل
۴۹	۵۱۹۱	اختلاف خلق از نام اوفتاد.
۵۰	۳۹۶۹	آن طور بنخور که خود خواهی، آن طور بپوش که مردم خواهند.
۵۱	۳۸۷۲	آن را چه زنی که روزگارش زده است.
۵۲	۳۹۱۸	آن روا دار که گر بر تو رود بپسندی.
۵۳	۳۶۷۴	آنچه بر ما می‌رسد آن هم زماست.
۵۴	۳۶۸۰	آنچه بر خود نپسندی بر دیگران نپسند.
۵۵	۳۶۷۱	آنچه بر خود نپسندی روان/ بر دیگری هم می‌پسند از توان.
۵۶	۳۳۱۲	آفت همسایه به همسایه رسد.
۵۷	۳۱۱۹	آشی را که می‌دهند می‌خورند.
۵۸	۲۸۰۸	آسوده بود هر که کم‌آزار بود.
۵۹	۲۸۲۰	آسیا از پی رزق دگران می‌چرخد.
۶۰	۲۸۲۹	آسیاب باش، درشت بستان و نرم بازده.
۶۱	۲۶۵۰	آزار خدا و خلق آزار دل است.
۶۲	۳۹۴	آب دهانی که بر زمین می‌اندازی دوباره قورتش می‌دهی.
۶۳	۶۳۱	آب کوزه در اثر نفاق خشک شود.
۶۴	۸۷۴	آتش از خانهٔ همسایه به همسایه فتد.
۶۵	۹۳۶	آتش چنان نسوزد فتیله را که عداوت بسوزد قبیله را.
۶۶	۱۰۷۲	آجیل بده آجیل بگیر.
۶۷	۱۰۱۴	آتش که به نیستان افتد تر و خشک با هم می‌سوزد.
۶۸	۲۶۸۶	آسان گیر، آسان گذار بود.
۶۹	۲۶۵۴	آزار هر که می‌کشد از خویش می‌کشد.
۷۰	۲۶۸۹	آسان نگیری سخت می‌گیرد.
۷۱	۲۶۹۵	آسایش جهان را گر بهر خویش خواهید/ بر دوستان فزاید، از دشمنان بکاهید.
۷۲	۲۶۹۶	آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت، با دشمنان مدارا.
۷۳	۱۳۰۶	آدم باید پایش را به اندازه گلیمش دراز کند.
۷۴	۱۶۷۴	آدم خوب را همه می‌پذیرند شرط آن است که بد را بپذیری.
۷۵	۲۱۸۱	آدم نباید آخوربین باشد، آخربین هم باید باشد.

ردیف	شماره در فرهنگ	ضرب‌المثل
۷۶	۲۳۰۱	آدمیت رحم بر بیچارگان آوردن است.
۷۷	۱۲۸۶	آدم با آدم، ده با درخت.
۷۸	۱۲۳۶	آدم از بی‌آدمی گم نمی‌شود، از بدآدمی گم می‌شود.
۷۹	۱۴۰۲	آدم به آدم می‌رسد، کوه به کوه نمی‌رسد.
۸۰	۱۳۹۳	آدم بزش را هم می‌دوشد نگاهی به صورتش می‌کند و می‌دوشد.

برخی از ضرب‌المثل‌ها با رویکردی تجویزی و تعلیمی بر مدارا تأکید دارند و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها در یک گفتمان صلح‌محور همه را به پاسداشت دیگری با هر دین و قومیت و خصوصیات فردی و غیره و خلاصه در معنای عام فارغ از هرگونه تفاوت فرا می‌خوانند. چون این گروه از ضرب‌المثل‌ها مدلول خاص و معینی ندارند و مخاطب را به صلح با گروه خاصی دعوت نمی‌کنند، ذیل عنوان «مدارای عمومی» آورده شده‌اند. اینها در عین اینکه شامل هیچیک از شاخص‌های مدارای اجتماعی نمی‌شوند شامل همه نوع مدارای اجتماعی می‌شوند یعنی حاصل تجمیع انواع مدارا هستند. این مثل‌ها با اهداف اجتماعی پرهیز از خشونت و برجسته‌سازی اهمیت و ابستگی متقابل اعضای جامعه و ارتقای سطح مدارا برای دستیابی به اهداف مشترک اجتماعی و تقویت یکپارچگی تولید شده‌اند. رعایت انسان و پذیرش این نکته که آدمی به آدمی زنده است موضوع محوری این مثل‌ها است

تدبیر فرهنگی در این ضرب‌المثل‌ها آگاهی‌بخشی و تأکید است. تأکید بر پیش‌شرط‌های صلح که مهم‌ترین آن‌ها قبول این امر است که شهروندان آن جامعه در مقام انسانی آزاد، برابر و برخوردار از حقوق یکسان‌اند. در واقع این گروه ضرب‌المثل‌ها بر ارزش‌هایی مبتنی هستند که سبب رشد و تقویت فضایی می‌شوند که زمینه‌های تحقق صلح اجتماعی در آن فراهم است. صلح اجتماعی بدون پذیرش ارزش‌های اخلاقی مانند احترام به تفاوت‌ها، همدردی و همیاری میان افراد، قشرها و قومیت‌ها امکان‌پذیر نیست. درون‌مایه این ضرب‌المثل‌ها هدایت افراد به میزان مناسبی از مدارای اجتماعی است که در پناه آن جامعه بتواند به سامان اجتماعی دست یابد. رویکرد اصلی این پدیده‌های ادبی در ادبیات عامه کاهش خشونت و جلوگیری از درگیری و تضاد است که سامان اجتماعی را به شدت مختل می‌کند و چون در جامعه ایرانی گروه‌های

قومی، مذهبی، نژادی و زبانی گوناگونی زندگی می‌کنند با فراوانی بالا بر مدارای اجتماعی تمرکز دارند. ایجاد فضای بی‌خشونت یکی از الزامات زندگی گروهی و هدف اصلی این ضرب‌المثل‌ها است که با یک نگرش بشردوستانه و آزاداندیشانه برای دیگران همان حقوقی را قائل است که برای خود قائل است.

مهمترین مفاهیم در این ضرب‌المثل‌ها، احترام به دیگران، کم‌آزاری و بی‌آزاری، وحدت و یکپارچگی، دعوت به بردباری و مدارا، دعوت به مهربانی و ترحم نسبت به ضعیفان و تهیدستان، دعوت به همنوایی اجتماعی، تقبیح کینه‌توزی و ستیزه‌جویی، دعوت به خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی، دعوت به پذیرش تفاوت‌ها، سازگاری و صلح، تأکید بر ترجیح منفعت جمع بر منفعت شخصی، دعوت به گذشت از خطای دیگران، رواداری نسبت به همسایه، اعتماد کردن به دیگران، حد ننگ داشتن و ملاحظهٔ دیگران است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد مسئله اصلی در این پژوهش مدارای اجتماعی است که یکی از شاخصه‌های توسعه انسانی در گفتمان صلح‌محور است. در این تحقیق ۱۱۰ ضرب‌المثل استخراج شد که موضوع محوری آنها رواداری و مدارا می‌باشد که در چهار مؤلفهٔ مدارای دینی (۱۱ مثل)، رفتاری (۲ مثل)، عمومی (۸۱ مثل) و منفعل (۱۶ مثل) گنجانده شده است. در این میان مدارای عمومی یعنی آن دسته از ضرب‌المثل‌هایی که فارغ از مرزبندی‌های هویتی و رفتاری بر صلح، پرهیز از خشونت و پذیرش تفاوت‌ها تأکید دارند بیشترین فراوانی را دارند. موضوع اصلی این ضرب‌المثل‌ها در راستای تقویت مدارای اجتماعی، احترام به دیگری، کم‌آزاری و بی‌آزاری، ضرورت اتحاد و همدلی، تقبیح کینه‌جویی و ستیزه‌جویی، خوش‌بینی و اعتماد، همنوایی با جامعه، پذیرش تفاوت‌ها و غیره است که در مجموع با هدف تنظیم روابط اجتماعی و بازنگری ساختار نظام ارزش‌های جامعه پدید آمده و مصرف می‌شوند. اینها مبین این امرند که گفتمان صلح نسبت به سایر گفتمان‌های فردگرایی و دینی قدرت بیشتری در نظام‌های فکری حاکم بر جامعه ایرانی و ترویج روحیه رواداری داشته‌اند و می‌توان تکثر فرهنگی و قومی جامعه ایرانی و موقعیت راهبردی، گذرگاهی و ارتباطی ایران در طول تاریخ را در سطح مدارا و غلبهٔ گفتمان صلح و روابط میان فرهنگی مؤثر دانست.

در ضرب‌المثل‌های مطالعه شده هیچ نمونه‌ای که مؤید مدارای آگاهانه سیاسی باشد مشاهده نشد. لازم به ذکر است در مواردی مصادیق مدارای منفعل با مدارای سیاسی همپوشانی دارد اما چون مدارا از روی ترس با مدارای حاصل از والایش شناختی فاصله دارد نمی‌توان آن را با معنی امروزی مدارای سیاسی برابر دانست. مدارای سیاسی یک مفهوم مدرن در ادبیات سیاسی است اما ضرب‌المثل‌ها با تعریف مدارا در معنای سنتی آن قرابت بیشتری دارد. در این معنا مدارا یک ارزش، فضیلت، روش و منش فردی محسوب می‌شود که بر کیفیت رفتار و برخورد انسان در برابر انسان‌های دیگر دلالت دارد و تا نهادینه شدن آن در روابط اجتماعی، نظام حقوقی، حقوق شهروندی و به طور کلی حقوق بشر پی‌گیری نمی‌شود. در معنای امروزی، مدارا یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری جامعه مدنی و یک ارزش، روش و باور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دانسته می‌شود.

در میان مؤلفه‌های مدارا، مدارای رفتاری در ضرب‌المثل‌های فارسی که شامل مدارای با مجرمان و خطاکاران است کمترین فراوانی را دارد. این امر می‌تواند از یک سکوت فرهنگی و تلاش برای مسکوت گذاشتن و دامن زدن به جرم یا ممانعت از عادی‌سازی جرم حکایت کند که خود یک تدبیر فرهنگی برای کاهش جرم بشمار می‌آید. مدارای منفعل یا منفی ناظر بر وجه متناقض مدارا است که دو گونه تلقی از مدارا را بیان می‌کند: یکی به این سوال پاسخ می‌دهد که چرا باید مدارا کرد و دیگری به این سوال پاسخ می‌دهد که تا کی و کجا باید مدارا داشت. در پاسخ به این سوال برخی سطوح و انواع مدارا نارواداری نسبت به خویشتن و فاصله گرفتن از عقلانیت محسوب می‌شود. مثلاً مدارای با ظالمان و پذیرفتن نابرابری اجتماعی شکل منفی مدارا است که انسان‌ها را به موجوداتی منفعل و سرخورده که عاملیت آنها کاسته شده است تبدیل می‌کند.

پرداختن به مدارای اجتماعی و ردیابی شاخصه‌های این عنصر فرهنگی از مسیر بازخوانی فرهنگ و تولیدات فرهنگی از ساز و کار نسبی‌سازی تبعیت می‌کند که فرایندی است که از طریق آن، مفهوم «مطلق» تضعیف می‌شود و تعریف ما از امور تغییر می‌کند و از جزم‌اندیشی فاصله می‌گیریم. هدف از تحلیل گفتمان تهیه نقشه‌ای انتزاعی از گره‌گاه‌های معنایی است. این روش مثل مدارا کثرت‌گرا است و مدارا پذیرفتن این اصل می‌باشد که حقیقت امری منتشر و بخشی از آن نزد «دیگری» است. هر دو می‌گویند همه حقیقت نزد ما نیست.

منابع

- اسدی. مرتضی (۱۳۸۹). امر اخلاقی در ضرب‌المثل‌های فارسی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- بشیریه. حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم. تهران: پویا.
- ذوالفقاری. حسن (۱۳۹۲). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: علمی.
- رشیدیان. عبدالکریم (۱۳۹۳). فرهنگ پسامدرن. تهران: نی.
- سلطانی. علی‌اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نی.
- سهراب‌زاده. مهرا (۱۳۸۸). مطالعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در ضرب‌المثل‌های فارسی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۴.
- عبدالمالکی. پروانه، احمدی. یعقوب، احمدی. وکیل، گودرزی. سعید (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی مدارا و ابعاد آن (مورد مطالعه: شهروندان هجده سال به بالای استان کرمانشاه). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۲(۱۰). ۳۷۹-۴۰۸.
- گل‌آزاده. فردوس (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: علمی فرهنگی.
- لاکلا. ارنستو، موفه. شانتال (۱۳۹۲). هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، به سوی سیاست دمکراتیک رادیکال. ترجمه محمد رضایی. تهران: نی.
- مقتدایی. فاطمه (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ممتاز. امید (۱۳۹۲). تحلیل و سازی ضرب‌المثل‌های فارسی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه گیلان.
- یورگنسن. ماریان، فیلیس. لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- Goldschmidt, Verner (1974). **Social Tolerance and Frustration: An Analysis of Attitudes toward Criminals in a Changing Arctic Town**. Presented at: The International Research Committee on the Sociology of Law. Holland. Sep. 1972.
- Torfinn, Jacob (1999). **New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Zizek**. Oxford: Blackwell.